

مهاجران، جامعه میزبان و ضرورت تعامل اجتماعی

پروین خسروی؛ کوچ یا مهاجرت به معنی ترک سرزمین و رفتن به سرزمینی دیگر همواره با نوع بشر همراه بوده است. چهره امروزی جغرافیای انسانی کره خاکی را همین کوچ‌ها رقم زده است. از کوچ اولین انسان‌های اندیشه‌ورز از آفریقا گرفته تا مهاجرت اقوام هند و اروپایی، از جمله آریایی‌ها به هند و فلات ایران و بخشی از اروپا، آنچه انسان‌ها را وادار به ترک سرزمین و خاک خود می‌کند، در طول تاریخ چندان تغییر نکرده است. از آن جمله‌اند تغییرات آب‌وهوایی مانند خشکسالی و یخ‌بندان، جنگ‌ها و هجوم خنمان برانداز اقوام بیگانه و گاه بالارفتن تعداد و تراکم جمعیت به گونه‌ای که دیگر تأمین منابع کافی برای زیست همگان در دسترس نبود.

در چند دهه اخیر جنگ و ویرانی‌های ناشی از آن، صرف‌نظر از علل و عوامل آن، سختی شرایط زندگی و معاش چه به دلیل بحران‌های ساختاری و اقتصادی و چه خشکسالی و قحطی‌ها و گاه وجود کشورهای جهان سوم یا هر اسم دیگر سیاسی که زندگی را بر مردم ساکن در کشوری سخت کرده است، به امواج مهاجرت، به‌ویژه از به‌اصطلاح کشورهای حاشیه‌ای یا جنوب یا جهان سوم یا هر اسم دیگری

که به آنها اطلاق کنیم، به اروپا و ایالات متحده دامن زده است. راهپیمایی‌های دسته‌جمعی و طولانی و پرمخاطره مردم کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی برای رسیدن به ایالات متحده و قایق‌های لرزان و مالا مال از سرنشینانی جان‌برکف که برای رسیدن به اروپا دل به دریا می‌زنند یا از مرزها و سرزمین‌هایی پرخطر و بیگانه‌ستیز می‌گذرند، خبر از ابعاد مهاجرت‌های چند دهه اخیر می‌دهند. به‌گونه‌ای که کشورهای هدف مهاجرت یا به‌اصطلاح مقصدگاه خود را با معضل ورود رو به فزونی و پیش‌بینی‌نشده جمعیتی با پیشینه تاریخی و فرهنگی متفاوت و مقتضیاتی متفاوت روبه‌رو می‌بینند که مشکلات ناشی از آن تنور جریان‌ات راست افراطی و حتی فاشیستی را گرم می‌کند که تلاش دارند مشکلات گاه لاینحل ساختاری جامعه خود را با فراقتنی متوجه مهاجران کنند و با دمیدن در خطر نابودی فرهنگ و فرصت‌های شغلی شهروندان خواهان تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تر در مقابل ورود مهاجران و گاه اخراج آنها شوند.

نمی‌توان نادیده گرفت که ورود مهاجران با زبان‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی،

شیوه زندگی متفاوت و اغلب سطوح نازل آموزش و مهارت‌های شغلی می‌تواند مشکلاتی برای جامعه میزبان به بار آورد. در چنین شرایطی اگر گرایش‌های مبتنی بر تبعیض و جدایی نژادی و قومی بر قوانین سخت‌گیرانه دولتی افزون شود و جامعه مقصد نتواند موجبات ورود به جامعه، تعامل و جامعه‌پذیری مهاجران را از راه آموزش و ارتقای سطح مهارت‌ها فراهم آورد، امکان هماهنگی مهاجران با جامعه مقصد و پذیرش اجتماعی آنها از سوی جامعه میزبان حاصل نمی‌شود یا به‌سختی حاصل می‌شود. مرزهای بی‌اعتمادی بین مهاجران و جامعه میزبان موجب طرد و انزوای مهاجران و بیگانه‌هراسی و وحشت جامعه میزبان می‌شود و در نهایت مهاجران را به حاشیه‌نشینانی تبدیل می‌کند که محصور در اجتماعات بسته خود بدون تعامل و تماس سازنده با جامعه میزبان یا احساس تعلق و مسئولیت در قبال آن به زندگی خود ادامه می‌دهند و روابط پیشین اجتماعی و فرهنگی خود را بازتولید می‌کنند. در همان حال، بیگانه‌ستیزی شهروندان، ناملایمات و سطح نازل زندگی و عدم پذیرش و ناهماهنگی با فرهنگ میزبان آنها را مستعد واکنش‌های تند

تبدیل هیئت منصفه مطبوعات به نهادهی تشریفاتی؟



فراهم‌کردن شرایط لازم برای حضور نمایندگان افکار عمومی به‌عنوان اعضای هیئت منصفه و اعمال سیاست جنایی مشارکتی در جریان رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قانون هیئت منصفه را در ۲۴ اسفند آن سال به تصویب رساند که این قانون در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۷ به تأیید شورای نگهبان نیز رسید؛ اما قانون یادشده بدون آنکه به مرحله اجرا برسد، متعاقباً به موجب ماده واحده قانون تعیین تکلیف هیئت منصفه مطبوعات (مصوب ۱۳۸۷/۵/۲۰) از طرف مجلس شورای اسلامی نسخ شد و هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسید!

به طور کلی فلسفه تأسیس نهاد هیئت منصفه همان تفکر حضور افکار عمومی در دادگاه‌ها و به‌ویژه در جریان دادرسی‌های کیفری است که معمولاً از قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیر تبعیت می‌کنند و با توجه به اینکه جرائم مطبوعاتی ازجمله جرائمی هستند که نوعاً با وجدان عمومی جامعه و قضاوت افکار عمومی ارتباط پیدا کرده و مرتکبان این نوع جرائم، به نوعی متولی انعکاس اخبار در میان افکار عمومی هستند؛ بنابراین بازتاب ارتکاب این جرائم در جامعه از سوی مردم و افکار عمومی آنان مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد؛ ازاین‌رو در جرائم مطبوعاتی رجوع به افکار عمومی در قالب هیئت منصفه برای رسیدگی به اتهام فردی که متهم به ارتکاب بزه مطبوعاتی است، ضرورت دارد و در واقع حضور هیئت منصفه جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی در جریان محاکمات مربوط به جرائم سیاسی و مطبوعاتی است. معذک حضور هیئت منصفه در جریان دادرسی‌های کیفری در صورتی می‌تواند جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی باشد که اعضای هیئت منصفه، واقعا از بین شهروندان و مردم عادی انتخاب شوند و نمادی از افکار عمومی جامعه باشند، نه افرادی وابسته به دولت که از طرف دستگاه‌های حاکمیتی انتخاب شده باشند؛ پس اعضای هیئت منصفه تنها به این شرط که نماینده افکار عمومی باشند، می‌توانند صدا و نظر شهروندان را درباره موضوعی که برای اظهارنظر به ایشان ارجاع شده، به گوش دستگاه قضائی برسانند.

بدیهی است از آنجا که جرائم مطبوعاتی در بسیاری از موارد ممکن است علیه دولت و مقامات آن ارتکاب پیدا کند، در نتیجه برای جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ دولتی در محاکمه این دسته از متهمان، حضور هیئت

منصفه در جریان محاکمه این دسته از افراد ضروری است؛ چراکه همیشه این خطر وجود دارد که مقامات قدرت عمومی از طریق امکاناتی که در اختیار دارند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه محکومیت یا تعیین مجازات سنگین‌تری را علیه این قبیل متهمان فراهم کنند؛ ازاین‌رو ابتکار به‌کارگیری و دخالت‌دادن نقطه نظرات نمایندگان افکار عمومی در کنار آرا و نظرات قضائی قضات حرفه‌ای در شمایل هیئت منصفه ضروری دانسته شد است.

با این حال حضور هیئت منصفه در جریان رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی در صورتی می‌تواند منشأ اثر بوده و فلسفه حضور این نهاد در چنین محاکماتی را توجیه کند که رای و نظر هیئت منصفه برای دادگاه رسیدگی‌کننده به اتهام فردی که متهم به ارتکاب جرم مطبوعاتی یا سیاسی است، به‌ویژه در مواردی که ملازمه با تشخیص بی‌گناهی متهم دارد، لازم‌الاتباع باشد؛ وگرنه چنانچه قرار باشد که با وجود رای و نظر هیئت منصفه بر عدم توجه اتهام به متهم و اعلام بی‌گناهی او، دادگاه همچنان بتواند

سیدمهدی جنتی، وکیل دادگستری؛ نهاد هیئت منصفه پس از انقلاب مشروطه و درحالی‌که سابقه‌ای در شرع نداشت، با اقتباس از حقوق اروپایی وارد نظام حقوقی ایران شد. پذیرش حضور هیئت منصفه در جریان رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی در کشور ما، مسبوق به اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه است که از قانون اساسی بلژیک اقتباس شده بود. با تصویب متمم قانون اساسی مشروطه، «قانون موقت هیئت منصفه» به‌عنوان اولین قانون عادی که ناظر بر تشکیل هیئت منصفه بود، ۱۵ سال پس از تصویب قانون اساسی مشروطه و در تاریخ ۱۳۰۱/۹/۱۰ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

با این وصف سابقه وجود هیئت منصفه و ترکیب آن در جرائم سیاسی و مطبوعاتی را باید در قانون هیئت منصفه که در ۲۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۰ به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسید، جست‌وجو کرد که حسب مفاد ماده آن آرم مصوب مقرر شده بود که: «رسیدگی به جرم‌های مطبوعاتی در دیوان جنایی و با حضور هیئت منصفه به عمل خواهد آمد».

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز بر ضرورت رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه بدواً در لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ شورای انقلاب و سپس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شد. در واقع، هم در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ و هم در بازنگری انجام‌شده در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی مقید به حضور هیئت منصفه در روند رسیدگی به این جرائم شد و در اصل ۱۶۸ قانون اساسی بر این موضوع تصریح و تأکید شد.

به‌علاوه فصل هفتم قانون مطبوعات نیز از ماده ۴۳ تا ۳۶ به موضوع هیئت منصفه، ترکیب و نحوه تشکیل و حدود وظایف و اختیارات آن اختصاص یافته و در ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز که در مقام بیان ضرورت حضور هیئت منصفه در جریان دادرسی‌های کیفری جرائم سیاسی و مطبوعاتی مقرر شده: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه برگزار می‌شود».

در سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی به منظور

♦ جدول ۴۶۰۴ ♦ طراح: بیژن گورانی

افتی:

۱- باهوش- وسیله بالارفتن- صدای پنچری ۲-

دهان- میوه لهیده و نرم‌شده- فعلی که بر زمان حال یا آینده دلالت می‌کند ۳- زخم سطحی- ظالم و ستمگر- قرارداد صلح متفقین و متحدین در پایان جنگ جهانی اول ۴- نوعی سس سالاد- عشوگر- میخ در گویش عرب ۵- نوعی چسب نجاری- تذکر و یادآوری ۶- در دوره ساسانیان به دهستان می‌گفتند- محل نصب رادار- واقف و مطلع ۷- قریباد مهیب- بلند و رفیع- کشف ماری کوری ۸- دوستی- مجموعه‌داستانی نوشته صادق هدایت- دشمن سرسخت ۹- نقطه شروع مسابقه- از آثار مشهور گوته آلمانی- کلمه پرسش ۱۰- مقام و منزلت- از جنگ‌های امام علی(ع)- ماه چهارم سربانی ۱۱- ساقه خوراکی- آستانه ۱۲- ترکیب آبی و زرد- دانش ذاتی- بازیبنی نوشته ۱۳- لباس کشفاف- کوشا- شاداب و سرحال ۱۴- خوشبوکننده شیرینی- از طوایف کرد ایران- مخفف اگر ۱۵- بندگی- خوردن غذای اندک برای رفع گرسنگی- نام کوچک هیتلر

عمودی:

۱- بزرگوار- اسب تندرو- چهارپا ۲- زن گندمگون- گوشت بازوی چارپایان- مرکب پیامبر(ص) در شب معراج ۳- فاقد تحرک- درویش به دست می‌گیرد ۴- دهم ماه محرم- فراموشکار- نوعی مدار الکترونیکی ۵- وارونه‌اش خوب نیست- شهری در استان سیستان‌وبلوچستان- شور و غوغا ۶- اشتباه- علم دخل و خرج ۷- نوعی پارچه سنتی- شعری که مرکب از چند بند هموزن است- خورشتی با مغز گردو ۸- پایتخت مراکش- مشوب به آخرت- واحدی برای

حکم بر محکومیت متهم صادر کرده و از رای و نظر هیئت منصفه تبعیت نکند، طبعاً هیئت منصفه به نهادی صرفاً تشریفاتی در جریان رسیدگی به جرائم مطبوعاتی تبدیل خواهد شد و معیار حضور افکار عمومی برای خارج‌کردن تشخیص وقوع‌یافتن یا وقوع‌نیافتن بزه مطبوعاتی و میزان اخلا آن در نظم عمومی، صرفاً به تشخیص و سلیقه یک فرد یا هیئتی قضائی که حداکثر متشکل از سه نفر است و صرفاً جنبه قضائی موضوع را نمایندگی می‌کند، واگذار می‌شود که با فلسفه تشکیل نهاد هیئت منصفه در تعارض قرار دارد.

ماده ۴۳ قانون مطبوعات، هیئت منصفه را در دو مورد برای اظهار نظر و اعلام رای در فرایند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی ذی‌مدخل دانسته است. اول اظهار نظر درباره بزهکاری یا بی‌گناهی متهم و دوم اظهار نظر درباره استحقاق متهم به برخورداری از تخفیف مجازات در صورت عقیده بر بزهکاری او. به‌این‌ترتیب هیئت منصفه جرائم مطبوعاتی در دو موردی که به آنها اشاره شد، می‌تواند منشأ اثر در تصمیمات قضائی

♦ سودوکو سخت ۳۶۰۰ ♦

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

♦ سودوکو ساده ۳۶۰۰ ♦

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳	۸	۱	۴	۶	۲	۷	۱	۵
۱	۲	۷	۸	۵	۹	۶	۳	۴
۷	۵	۶	۹	۱	۳	۴	۸	۲
۵	۴	۱	۶	۳	۹	۸	۲	۷
۶	۳	۷	۸	۷	۱	۵	۴	۹
۸	۹	۷	۵	۳	۶	۲	۱	۴
۱	۲	۵	۳	۹	۶	۴	۷	۸
۹	۷	۳	۴	۸	۱	۵	۶	۲
۴	۶	۸	۱	۵	۷	۲	۹	۳

۹	۴	۳	۱	۵	۶	۷	۸	۲
۶	۱	۷	۴	۳	۸	۹	۵	۲
۵	۲	۸	۷	۹	۳	۴	۶	۱
۷	۵	۲	۸	۱	۶	۷	۵	۴
۸	۹	۶	۳	۸	۹	۱	۴	۵
۱	۳	۶	۵	۴	۷	۸	۲	۹
۴	۸	۱	۹	۶	۲	۵	۳	۷
۲	۶	۹	۳	۷	۵	۱	۴	۸
۳	۷	۵	۸	۱	۴	۲	۹	۶

♦ حل جدول ۴۶۰۳ ♦

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ث	ا	ع	ب	ا	و	ع	ر	ب	ا	ع	ث	ا	ث
۲	ب	ی	و	ن	س	و	د	م	د	ا	ب	ل	ب	ب
۳	ر	ی	ا	ب	ی	ت	ر	ق	ا	م	ب	ل	ی	ا
۴	ب	ت	ی	ا	ر	ش	ا	س	ی	ن	م	ا	م	ا
۵	ل	ا	ف	ر	ز	ی	ن	ا	ر	ک	ج	ح	ح	ح
۶	ا	ب	ا	ب	ل	ر	ی	ا	ن	ت	و	ت	و	و
۷	م	ی	س	ر	ب	ا	ن	ا	ب	ه	ا	ا	ا	ا
۸	د	ب	ک	ه	ج	س	ا	ب	ا	ن	ی	و	ل	ل
۹	ا	ی	ن	ا	ل	و	ل	ا	ب	ا	ش	ت	ی	ا
۱۰	ر	ی	ا	م	ا	ن	ا	ن	ا	ک	ا	ف	و	ر
۱۱	و	م	ا	م	ا	ر	ا	ی	ن	ا	ا	ا	ا	ا
۱۲	س	ت	و	د	ه	ا	ب	ل	ک	ن	ب	ب	ب	ب
۱۳	ا	ف	ر	ی	ن	ا	و	ع	ا	ب	ا	ا	ا	ا
۱۴	ز	ر	س	م	ف	و	ن	ی	م	ی	ر	ز	ا	ا
۱۵	ی	خ	م	ه	س	ی	ا	ه	ق	ل	م	و	د	و

و گاه مجرمانه می‌کند و اجتماع آنها را زمینه مناسبی برای عضوگیری افراط‌گرایان سازمان‌یافته می‌کند. برای پرهیز از این وضعیت و برای ممانعت از بروز اجتماعات بسته بالقوه دشمن‌خوی مهاجران از یک سو و گسترش تعصبات نژادی و قومی یا مذهبی در جامعه که موجب تنش‌های اجتماعی می‌تواند بود، فراهم‌کردن شرایط تعامل، جامعه‌پذیری، هماهنگی و جذب مهاجران در گروه‌ها و اجتماعات شهروندی ضروری است و انجام آن میسر نمی‌شود مگر با اشاعه همدلی اجتماعی با مهاجران و نشان‌دادن مصابن و دشواری‌های اجتماعی و روانی آوارگی و مهاجرت برای شهروندان و ترویج فرهنگ تکنرگرایی و چندفرهنگی برای آنها از یک سو و مهم‌تر از همه، حذف قوانین و مقررات محدودکننده و تصویب قوانین حمایتی از مهاجران و تلاش برای ارتقای آموزش و ایجاد شرایط لازم برای هماهنگی و پذیرش اجتماعی، با توجه به ضرورت برنامه‌ریزی گسترده و نیاز به منابع مالی و انسانی فراوان این امر که فراتر از توان هر سازمان یا انجمن مردم‌نهادی است، بار مسئولیت و نقش دولت‌ها دراین‌باره بیش‌ازپیش به چشم می‌آید.

دادگاه باشد. با این حال به موجب تبصره ۲ ماده مذکور،

در صورتی‌که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند؛ به این معنی که دادگاه در مقام صدور حکم برائت متهم، در نهایت می‌تواند برخلاف رای و نظر هیئت منصفه به تشخیص خویش عمل کرده و نظر هیئت منصفه را دایر بر بزهکاری متهم نپذیرد؛ اما در شقوق دیگر ماده ۴۳ قانون مطبوعات، بر امکان صدور حکم محکومیت متهم از طرف دادگاه با وجود رای و اظهارنظر هیئت منصفه بر بی‌گناهی متهم، تصریحی به عمل نیامد و سکوت قانون با توجه به تصریح قانون‌گذار به خلاف آن در تبصره ۲ ماده مرقوم و مفهوم مخالف تبصره ماده فوق، دلالت بر التزام دادگاه به پذیرش رای و نظر هیئت منصفه دایر بر بی‌گناهی متهم دارد؛ وگرنه تصریح به خلاف این مورد در تبصره اشاره‌شده، لغو بود و طبعاً دادگاه باید از رای و نظر هیئت منصفه دایر بر بی‌گناهی متهم تبعیت کند.

مع‌الوصف به‌تازگی دیوان عالی کشور در تاریخ ۴ مهرماه ۱۴۰۲ به موجب یک رای وحدت رویه و در مقام حل اختلاف نظر شعب ۱۷ و ۲۴ دیوان عالی کشور در تفسیر تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مطبوعات، رای بر ضرورت‌نداشتن تبعیت دادگاه از رای و نظر هیئت منصفه در مواردی داده که آن هیئت عقیده بر بی‌گناهی متهم داشته است و به‌این‌ترتیب با لحاظ تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مطبوعات و رای وحدت رویه اخیر دیوان عالی کشور که برای همه مراجع قضائی لازم‌الاتباع و در حکم قانون است، رای و نظر هیئت منصفه در هیچ موردی برای دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم مطبوعاتی لازم‌الاتباع نبوده و درنهایت دادگاه بر مبنای تشخیص و نظر خود عمل خواهد کرد.

با این وصف، حضور هیئت منصفه را نمی‌توان منشأ اثر در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی دانست و این نهاد در فرایند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، به نهادی تشریفاتی و فاقد اختیار تقلیل پیدا کرده است و رای و اظهار نظر هیئت منصفه هیچ‌گونه تبعیتی برای قضات رسیدگی‌کننده به بزه مطبوعاتی ایجاد نمی‌کند.

طبعاً در چنین وضعی، هیئت‌های منصفه نیز انگیزه‌ای برای حضور و اظهار نظر صحیح به نمایندگی از افکار عمومی درباره موضوعات ارجاعی نداشته و با توجه به اینکه نقشی برای خویش در سرنوشت پرونده قضائی قائل نیستند، تلاشی نیز برای نمایندگی صحیح از افکار عمومی به خرج نخواهند داد و بالطبع همان مقدار نقش ارشادی آنها نیز در روند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی برای دادگاه رنگ خواهد باخت و اثری بر نظرات ارشادی آنها نیز به لحاظ بی‌انگیزگی و غیردقیق بودن، بار نخواهد شد.

				۷	۶			
۹	۴			۷	۸			
		۱		۲				
				۵	۹			
۴	۹			۱				
				۷	۶			
۱	۶	۲						

			۱	۳				۲
								۴
		۵		۲				۷
۴					۷		۸	۱
		۱	۸					۹
						۸		۷
۹				۱				
		۶	۲					
		۴	۱	۶				۸
		۶	۷	۵		۱		۴
							۳	۴